

متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شما ره ۱۲ حافظ

ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما
آب روی خوبی از چاه زرخدان شما

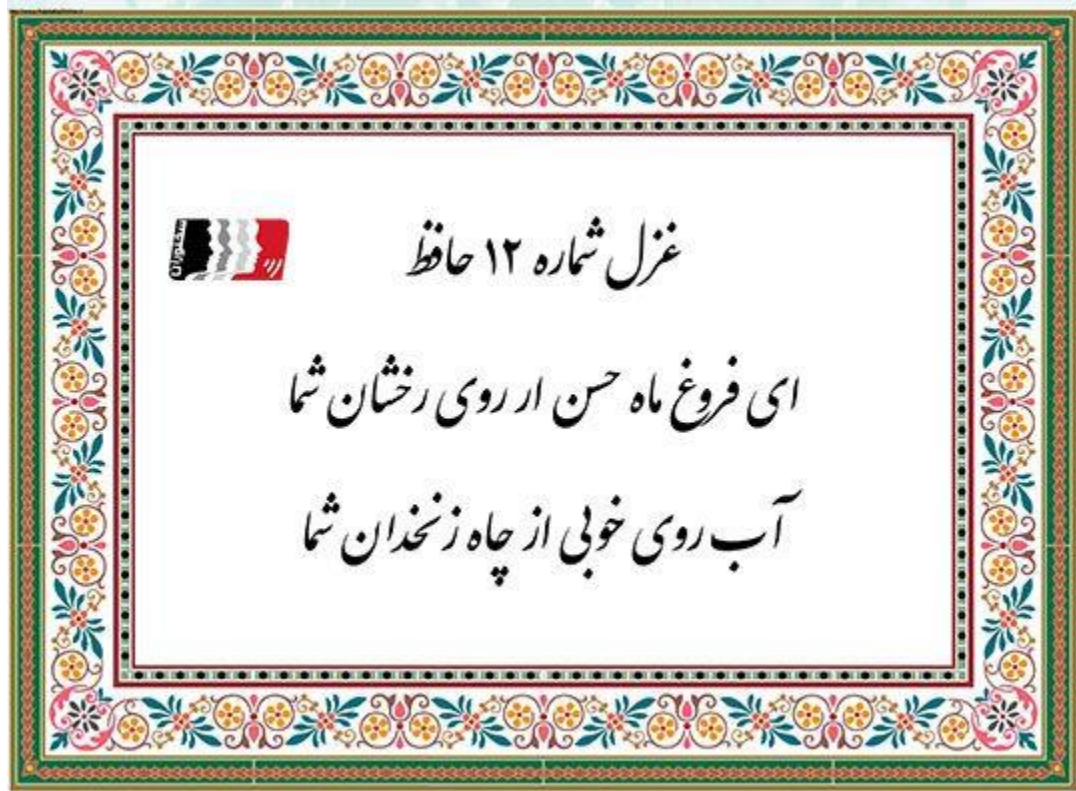
غزل ۱۲ حافظ با ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما آغاز می شود. وزن غزل دل می رود ز دستم ، فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (رمل مثنی محذوف) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. شرح و تفسیر برگرفته از کتاب شرح سودی بوسنوی بر حافظ ترجمه دکتر عصمت ستارزاده می باشد.

آنچه در ادامه می خوانید:

۱- متن غزل

۳- شرح و تفسیر غزل

۴- معنی لغات



متن غزل شماره ۱۲ حافظ

ای فروغِ ماهِ حُسْنُ از رویِ رخشانِ شما
آبِ رویِ خوبی از چاهِ زَنخْدانِ شما
عزمِ دیدارِ تو دارد جانِ بر لب آمده
بازگردد یا برآید؟ چیست فرمانِ شما؟
کس به دُورِ نرگست طَرْفی نیست از عافیت
به که نفروشدنِ مَسْتوری به مستانِ شما
بختِ خوابِ آلودِ ما بیدار خواهد شد مگر
زان که زد بر دیده‌آبی رویِ رخشانِ شما
با صبا همراه بفرست از رُختِ گلدسته‌ای
بو که بویی بشنویم از خاکِ بستانِ شما
عمرتان باد و مرادِ ای ساقیانِ بزمِ جم
گر چه جامِ ما نشد پُریمی به دورانِ شما
دل، خرابی می‌کند دلدار را آگه کنید
زینهار ای دوستان، جانِ من و جانِ شما
کی دهد دست این غرض یا رب که همدستان شوند
خاطرِ مجموعِ ما، زلفِ پریشانِ شما
دور دار از خاک و خون، دامن، چو بر ما بگذری
کاندر این ره کُشته بسیارند قربانِ شما
می‌کند حافظِ دعایی بشنو آمینی بگو
روزی ما باد، لعلِ شکرافشانِ شما

ای صبا با ساکنانِ شهرِ یزد از ما بگو
کای سَرِ حقِ ناشناسان، گویِ چوگانِ شما
گر چه دوریم از بساطِ قُرب، هِمّتِ دور نیست
بنده شاهِ شماییم و ثناخوانِ شما
ای شهنشاهِ بلنداختر، خدا را هِمّتی
تا ببوسم همچو گردون، خاکِ ایوانِ شما
شرح و تفسیرِ غزل شماره ۱۲ حافظ

ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما
آبِ رویِ خوبی از چاهِ زَنخُدانِ شما

فروغ: در اصل به معنای نور است. در اینجا مجازاً به معنای جذابیت و رونق است.

حُسن: زیبایی

رَخشان: روشن؛ تابان

آبِ روی: آبرو، عرض

چاهِ زَنخُدان: فرورفتگی کوچکی که در چانه بعضی از زیبارویان است

معنی بیت: همانطور که ماه از خورشید نور می گیرد و روشن می شود، صورت درخشان و تابان شما و چال چانه شما ملاک و سنگ محک زیبایی و اعتبار زیبارویان است.

عزم دیدارِ تو دارد جانِ بر لب آمده
باز گردد یا بر آید؟ چیست فرمانِ شما؟

عَزْم: نیت، قصد

جان بر لب آمده: جان به لب آمدن کنایه از مشرف بر مرگ بودن . جان بدهان رسیدن و جان بر لب رسیدن کنایه از بی تاب شدن

معنی بیت: من از عشق تو جانم به لب آمده و گویی هر لحظه میمیرم. با این جان بی قرار و بی تاب قصد دیدار تو را دارم. فرمانت چیست؟ به دیدارت بیایم یا برگردم

کس به دُورِ نرگست طَرْفی نبست از عافیت
بِهُ که نفروشدن مَسْتوری به مستانِ شما

کس: به معنای هیچ کس است

دُورِ نرگست: نرگس استعاره از چشم است. دور نرگست یعنی حرکت چشم هایت، نگاهت

طَرْفی: فایده ای

بِهُ: بهتر

مستوری: پاکدامنی، عفت، پارسایی، شرم

مستان شما: مراد چشمان مست شما است

معنی بیت: شرم و پاکدامنی در مقابل نگاه مستانه و خمارآلود چشمانت فایده ای ندارد. هر کسی که تو را دید دیوانه وار عاشق شد و سلامت و عافیتش را از دست داد. حاصل کلام آنکه همه عالم را اسیر و دیوانه خود کردی.

بختِ خوابِ آلودِ ما بیدار خواهد شد مگر
زان که زد بر دیدهٔ آبی رویِ رخشانِ شما

بختِ خوابِ آلود: طالع خفته

زد بر دیده آبی: آب بر دیده زدن کنایه از بیدار کردن است

رخشان: تابان، درخشان

معنی بیت: با دیدن روی ماه تو بخت و طالع خفته ما بیدار خواهد شد.

با صبا همراه بفرست از رُختِ گلدسته‌ای

بو که بویی بشنویم از خاکِ بستان شما

صبا: بادی که از سمت مشرق می‌وزد، باد برین، پیام‌آور میان عاشق و معشوق

رخ: صورت

بو که: بادا که، باشد که

بستان: بوستان، باغ، گلستان

معنی بیت: ای جانان و معشوق ما از گل‌های گلستان زیباییت، دسته‌گلی درست کن و همراه باد صبا بفرست تا بوی خاک پای تو را بشنویم.

عمرتان باد و مراد ای ساقیانِ بزمِ جم

گر چه جامِ ما نشد پُر می به دورانِ شما

عمرتان باد و مراد: منظور عمرتان دراز باد است و مراد دلتان برسید است

بزم: مجلس، مهمانی

جم: پادشاه بزرگ، منظور شاه و امیر یزد است

دوران: زمانه، روزگار

معنی بیت: هر چند که از شما به ما خیری نرسید ولی ای ساقیان ضیافت شاه، عمر طولانی کنید و به مراد دلتان برسید. حاصل کلام اعتراض خواجه به شاه یزد است که صله ای به خواجه نداد.

دل، خرابی می کند دلدار را آگه کنید
زینهار ای دوستان، جان من و جان شما

دلدار: دلبر؛ معشوق؛ محبوب

زینهار: به معنی زنهار است که پناه جستن و امان خواستن باشد

معنی بیت: حال دل من خراب است و هذیان می گوید و اسرار فاش می کند. ای دوستان به معشوق و دلبر و محبوبم خبر دهید که اگر نکنید آتش این عشق جان من و همه این عالم را و جان شما را هم آتش خواهد زد.

کی دهد دست این غرض یا رب که همدستان شوند
خاطرِ مجموع ما، زلفِ پریشان شما

غرض: هدف

همدستان: هم داستان، موافق، همراه

خاطر مجموع: خیال رحمت، آسایش خیال. خاطر معمولاً پریشان و پراکنده است. زمانی انسان به خاطر مجموع می رسد که به معشوق خود رسیده باشد و به چیز دیگری جز او نمی اندیشد. حافظ در غزل دیگری می فرماید:

هر آن کو خاطری مجموع و یاری نازنین دارد

سعادت همدم او گشت و دولت همنشین دارد

زلف پریشان: گیسوی و موی آشفته. در اینجا کنایه از معشوق است

معنی بیت: خدایا که می رسد روزی که به وصال معشوق برسیم و خاطرمان آسوده شود.

دور دار از خاک و خون، دامن، چو بر ما بگذری
کاندر این ره گشته بسیارند قربان شما

قربان: منظور قربانی است. فدایی، جان نثار

معنی بیت: وقتی از کنار ما رد می شوی، دامنت را جمع کن که آلوده به خاک و خون نشود که همه کسانی که در راه می بینی عاشق و دیوانه تواند و حاضرند خونشان قربان تو شود. حاصل کلام آنکه مراد جلب شفقت و ترحم معشوق است.

می کند حافظ دعایی بَشَنو آمینی بگو

روزی ما باد، لعل شکرافشان شما

بشنو: گوش کن. در خوانش و دکلمه غزل همه با سکون ش و هم با کسره شین درست است.

روزی: قسمت، بهره

لعل شکر افشان: منظور لب سرخ و شیرین سخن یار است

معنی بیت: دعای حافظ این است که لب سرخ شیرین یار نصیبش شود. بَشَنو و آمین بگو

ای صبا با ساکنان شهر یزد از ما بگو

کای سَرِ حق ناشناسان، گوی چوگان شما

صبا: بادی که از سمت مشرق می وزد، باد برین، پیام آور میان عاشق و معشوق

حق ناشناسان: به معنای کسانی که قدردان نیستند، ناسپاسان

گوی چوگان: گوی، توپ چوگان بازی است و چوگان چوبی است که سوارکار با آن توپ را می رباید.

معنی بیت: ای صبا به پادشاه و اعیان دولت یزد بگو که سرشان سلامت و درد و بلایشان بر سر دشمنانشون بخورد.

گر چه دوریم از بساطِ قُرب، همت دور نیست

بنده شاه شماییم و ثناخوان شما

قُرب: نزدیکی

همت: در اصطلاح تصوف عبارت است از توجه قلب با تمام قوای روحانی خود به جانب حق، برای حصول کمال در خود یا دیگری، به نحوی که به غیر مقصود حقیقی ملتفت نشود

ثناخوان: دعاگو، مداح؛ ستایشگر

معنی بیت: اگر چه از بارگاه دور هستیم ولی یاد شما در روح و جان من هست و از خاطر ما محو نمی شوید. و همیشه بنده شاه شما و دعاگوی شما هستیم.

ای شهنشاہِ بلنداختر، خدا را همتی
تا ببوسم همچو گردون، خاکِ ایوانِ شما

بلنداختر: بلند اقبال، خوش شانس

ایوان: کاخ پادشاه

معنی بیت: ای شاه بلند اقبال اگر عزم و ارادهٔ مساعد و موافق داشته باشی، که خدمت برسیم و بوسه بر خاک پای شما بزنیم.

نویسنده: دکتر زند